



## در راس نظام اراده جدی برای مبارزه با مفساد اقتصادی وجود دارد

جلسه ستاد هماهنگی مبارزه با مفساد اقتصادی عصر دیروز به ریاست معاون اول رییس جمهور و با موضوع بررسی آخرین وضعیت پرونده بابک زنجانی برگزار شد.

اسحاق جهانگیری معاون اول رییس جمهور در این جلسه با تاکید بر اینکه بازگرداندن پول بیت المال در پرونده‌های فساد اقتصادی یک وظیفه ملی، دینی و انسانی است، گفت: در راس نظام اراده سیاسی جدی برای مبارزه با مفساد اقتصادی و رسیدگی به پرونده‌های فساد از جمله پرونده بابک زنجانی وجود دارد و همه ارکان نظام و سران قوای سه گانه نیز برای به نتیجه رساندن این پرونده اهتمام ویژه داشته و مصمم هستند. معاون اول رییس جمهور بازگرداندن پول بیت المال در پرونده بابک زنجانی را موضوعی پراهمیت دانست و تاکید کرد: علاوه بر اهمیت بازگشت این پول، موضوع مهم دیگر این است که باید ابعاد پنهان و دست‌های پشت پرده این پرونده روشن شود.

جهانگیری همچنین با قدردانی از زحمات و تلاش‌های فراوان قوه قضایه، دادستانی تهران و وزارت نفت برای رسیدگی و پیگیری این پرونده خاطر نشان کرد: زحمات صورت گرفته در این مدت طولانی قابل تقدیر است و باید این پرونده را با جدیت به نتیجه رساند تا کارنامه موثقی در این دوره از همکاری قوای سه گانه در زمینه مبارزه با مفساد اقتصادی ثبت شود.

معاون اول رییس جمهور خاطرنشان ساخت: ستاد مبارزه با مفساد اقتصادی تا کنون سعی کرده است در جریان مبارزه با مفساد اقتصادی هماهنگی‌های لازم را میان قوای سه گانه ایجاد کند و یکی از دغدغه‌های اصلی ستاد در چند سال اخیر، مقابله جدی با فساد سیستمی و فراگیر بوده است که البته در مبارزه با فساد به یک مطالبه و دغدغه عمومی

در کشور تبدیل شده است.

جهانگیری با بیان اینکه بار اصلی مبارزه با مفساد اقتصادی بر دوش قوه قضایه است، افزود: خوشبختانه دستگاه قضایی کشور از اراده جدی برای مبارزه با فساد اقتصادی برخوردار است و در زمینه پیشگیری از وقوع فساد نیز قوای سه گانه و به ویژه قوه مجریه مسئولیت سنگینی دارند و در همین راستا در دولت ستادی متشکل از تعدادی از وزرا تشکیل شده تا بر موضوع پیشگیری از وقوع فساد تمرکز شود.

معاون اول رییس جمهور ادامه داد: تلاش دولت بر این بوده است که به جای ایجاد تشکیلات جدید، مجموعه‌های حقوقی، بازرسی و نظارتی دستگاه‌های اجرایی را مامور کند تا گلوگاه‌های اصلی ایجاد فساد را شناسایی کنند و امیدوارم در این دوره با انرژی و جدیت هرچه بیشتر بتوانیم به دستاوردهای خوبی در زمینه مبارزه با مفساد اقتصادی دست پیدا کنیم.

وی همچنین با اشاره به همدلی و هماهنگی موجود میان قوای سه گانه در امر مبارزه با مفساد اقتصادی گفت: انتظار داریم از این همدلی و هماهنگی استفاده حداکثری در جهت پیشگیری و مبارزه با مفساد اقتصادی صورت گیرد.

معاون اول رییس جمهور همچنین با اشاره به وقفه اندکی که در برگزاری جلسات ستاد هماهنگی اقتصادی مقاومتی ایجاد شد، خاطر نشان کرد: این وقفه به دلیل شروع به کار دوره جدید مجلس شورای اسلامی و معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی عضو این ستاد بود.



### یک گروهک تروریستی داعش در کرمانشاه کشف و متلاشی شد

وزیر اطلاعات اعلام کرد یکی از هسته‌های وارداتی گروهک تروریستی داعش به سرکردگی یکی از امرای منطقه‌ای این گروه در غرب کشور شناسایی و مورد ضرب به قرار گرفت که در این عملیات چهار نفر از اعضای گروهک به هلاکت رسیدند. سید محمود علوی وزیر اطلاعات با اعلام این خبر، گفت: با الطاف الهی و عنایات حضرت ولیعصر (عج) و به میمنت دهه مبارک کرامت و به برکت میلاد امام علی بن موسی الرضا (ع)، طی یک عملیات اطلاعاتی پیچیده، یکی از هسته‌های وارداتی گروهک تروریستی داعش به سرکردگی یکی از امرای منطقه‌ای، این گروه در غرب کشور شناسایی و قبل از هر گونه اقدامی با هوشیاری سربازان گنم‌امام‌زمان (عج) و هماهنگی نیروهای انتظامی و امنیتی متلاشی گردید. وی افزود: انجام عملیات های تروریستی در مراکز جمعیتی و مذهبی شهرهای عمقی کشور از اهداف تروریستی این گروه بوده است. این تیم مسلح تروریستی در یک برنامه ریزی گسترده در صدد انجام چندین عملیات در نقاط حساس کشور به صورت همزمان و ترکیبی بوده است. به گفته او در این عملیات چهار تن از عناصر تروریست به هلاکت رسیدند و تعدادی از آن ها نیز دستگیر و مقادیری قابل توجهی مواد انفجاری، تجهیزات و کمربند انتحاری برای عملیات و نیز تعدادی سلاح و نارنجک به همراه امکانات ارتباطی کشف و ضبط گردید.

# رفع حصر هیچ مشکل امنیتی ندارد

## علم‌الهدی فکر می کند +۱۰ سال قبل است که بتواند بگوید من متولی این استان هستم؟

«**قرار نیست** که همیشه اصلاح طلبان بی دریغ از دولت حمایت کنند و طرف مقابل تره هم خرد نکند». این جمله را رسول منتجب‌نیا در یکی از مصاحبه‌های اخیرش گفته بود. او با گلایه از اینکه اصلاح طلبان در انتصایات دولت روحانی آن طور که باید و شاید دیده نشده‌اند، گفته بود اصلاح طلبان دیگر در انتخابات سال ۹۶ به کسی «چک سفید امضا» نمی دهند و می خواهند با روحانی وارد مذاکره شوند تا سهیم بیشتری در کابینه دولت دوازدهم داشته باشند. منتجب‌نیا همچنین گفته بود اگر روحانی در اصولگر ایان ذوب شود، اصلاح طلبان آلترناتیو خود را برای انتخابات ۹۶ در رو خواهند کرد. در خصوص سهم خواهی اصلاح طلبان از روحانی و استراتژی ائتلاف اصلاح طلبان با ائعدالگرایان با این عضو شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان سخن گفتیم. همچنین از او در مورد هجمه علیه دولت روحانی و نیز مسئله رفع حصر دبیر کل حزب اعتماد ملی سؤال کردیم. در ادامه بخش اول مشروح گفت‌وگوی «تابناک» با رسول منتجب‌نیا قائم مقام حزب اعتماد ملی را می خوانید.

گرفته اند، در رده های مختلف، البته من اشاره نمی کنم که تطبیقی صورت بگیرد. چه بسا بعضی از این افراد با خودشان جزء این باندها هستند، یا تحت تأثیر این باندها قرار گرفته اند. این یعنی تیشه به دست گرفته اند به ریشه نظام می زنند. همان چیزی که انجمن حجتیه می گفت که این نظام طاغوتی است و در آخر ساقط می شود، این ها می خواهند با دست خودشان انجام بدهند و بگویند دیدید حق یا ما بود که چنین اعتقادی داشتیم. بنابراین موقتی نظام را قبول داریم و درون نظام کار می کنیم، باید همه کارهای ما نظام مند باشد. یک امام جمعه، یک امام جمعه است، اختیاراش در حد امام جمعه است، حق ندارد فراتر از آن اعمال نظر و سلیقه کند و باید در آن چارچوب عمل کند. یک استاندار و وزیر هم همین طور، رؤسای قوا هم همین طور، هر کدام محدودند و قانون وظایف همه را مشخص کرده است. هر کسی فردی را منصوب می کند به او اختیاراتی می دهد، به هیچ کس اختیار مطلق نمی دهند که هر چه خواست بگوید و هر چه خواست انجام دهد.

**اگر در حصر مسئله حادی رخ دهد، نمی‌توانیم پاسخگوی تاریخ باشیم**

**آقای منتجب نیا، شما قائم مقام حزب اعتماد ملی هستید. دبیر کل حزب شما در حال حاضر در حصر خانگی است. آیا شما برای رفع حصر یا تشکیل دادگاه اقدامی انجام داده اید؟** این موضوع یکی از نگرانی های ماست. این نگرانی حزب اعتماد ملی نیست، عموم جامعه این نگرانی را دارند. حزب اعتماد ملی چون آقای کروبی بنیان گذار و دبیر کل حزب بودند، بیشتر نگران اند و ما جای خالی ایشان را همیشه می بینیم. ما تا به حال هرچه توانسته ایم تلاش کرده ایم، با مقامات ملاقات و مکاتبه کرده ایم، تومار و نامه نوشته ایم، ولی تا به حال نتیجه ای نگرفته ایم. آن هایی که ما مخاطب قرارشان داده ایم می گویند تصمیم در این مورد به دست ما نیست و فراتر از ماست. ما منتظریم این تصمیم گرفته شود و بزرگان کشور این مسئله بزرگ را حل کنند و ما شاهد این باشیم که این سه بزرگوار به جامعه برگردند. مطمئناً رفع حصر هیچ گونه زبانی برای نظام و مسئولین نخواهد داشت. همه آن منفعت و خیر است. هیچ کس نمی تواند بگوید اگر رفع حصر شود مشکل امنیتی پیش می آید یا مثلاً جامعه تحریک شود یا برای خودشان خطری وجود داشته باشد. این ها همه اش حرف است. آن ها اگر آزاد شوند قطعاً کنار نظام و مردم خواهند بود و هرگز مردم را به حرکت های تخریبی دعوت نخواهند کرد. لذا بهترین راه این است که این قضیه به خوبی خاتمه پیدا کند و امیدواریم بزرگان چنین تصمیمی بگیرند. انتظار این است که دلسوزان نظام هم وقت بگذارند و سه رایه گذاری و درخواست کنند تا این مشکل هرچه زودتر حل شود. چون اگر این مشکل باقی بماند و در آینده خدایی ناکرده مسئله حادی پیش بیاید، نمی توانیم دیگر پاسخگوی تاریخ باشیم و این صفحه زبیلی نخواهد بود.

**لازمه لاینفک رفع حصر ، محاکمه نیست**

**آقای باهنر می گویند ادامه حصر همچنان بهترین گزینه است. استدلالشان هم این است که اگر حصر برداشته شود، دادگاه تشکیل خواهد شد و حکم دادگاه سنگین است و اجرای آن به مصلحت نیست. البته خود آقای کروبی در نامه ای که مدتی پیش نوشتند، درخواست تشکیل دادگاه علنی عادلانه را داده بودند و تاکید کرده بودند که حکم این دادگاه را بدون درخواست تجدید نظر قبول خواهند کرد.**

من نمی دانم آقای مهندس باهنر این حرف را به نمایندگی از جایی گفته اند یا اینکه نظر شخصی خودشان است. اگر نظر شخصی است اشکالی ندارد. ولی این حرف صحیح نیست، چون که اولاً لازمه لاینفک رفع حصر، محاکمه نیست. می شود حصر را برداشت، بدون محاکمه. چطور در مورد زندانی ها، هر از مدتی رئیس قوه قضایه درخواست می کند و رهبری عفو می کنند؟ لذا ملازمه ای بین آزادی و محاکمه وجود ندارد. ثانیاً اینکه چه کسی گفته است اگر دادگاهی برگزار شود به زبان محصورین است؟ دادگاهی که مورد درخواست آن هاست، دادگاهی است که علنی و با حضور خبرنگاران و با حضور خودشان یا وکیلشان باشد. چنین دادگاهی به زبان آن ها نیست. ممکن است گفته شود به زبان نظام است که آن بحث دیگری است. حال اگر دادگاه به زبان نظام است، بدون دادگاه قضیه را حل کنید. مهم این است که قضیه حصر حل شود. لذا آقای باهنر به نظر می رسد فرض است که است یا ادامه حصر یا دادگاه و اگر دادگاه برگزار شود به زبان محصورین است. اما من معتقدم دادگاه اگر علنی باشد به زبان نظام است نه به زبان محصورین. وگرنه دادگاه غیرعلنی و مخفی که هیچ نفعی ندارد. اینکه بپرند در اتاق در بسته دادگاه تشکیل دهند که می شود مثل چیزی که الان وجود دارد. دادگاهی می تواند قائله را ختم کند که علنی باشد. دادگاه علنی هم ممکن است به زبان نظام باشد.

راه حل سوم این است که حصر برداشته شود، بدون دادگاه. این راه قابل تصور است ولی آقای باهنر آن را در نظر نگرفته اند. ما به ایشان تذکر می دهیم این راه وجود دارد و مطمئن باشند این کار هیچ زبانی نخواهد داشت و هیچ حادثه ای اتفاق نمی افتد. درواقع این کار جز بزرگوار ی نظام و مسئولین و جز ثبت در تاریخ چیز دیگری نخواهد بود و ادامه حصر جز ضرر و زیان برای نظام چیز دیگری به بار نخواهد آورد.

نظام ضربه می زند. بله اگر قوه قضایه اقدام نکند، این حق معاونت حقوقی ریاست جمهوری است که شکایت کند که گویا گفته اند شکایت هم می کنند. شما ببینید یک مرتبه تریبون های نماز جمعه بسیج می شوند علیه رئیس جمهور و وزیر و مسئولان و شروع می کنند تخریب کردن. با چه مجوزی؟ آن ها مجوز شرعی و قانونی ندارند. ضمن اینکه من بارها گفته ام در تریبون های مقدس باید حرف های مقدس و الهی و مردمی زده شود. وقتی خطیب جمعه دو خطبه می خواند، این دو خطبه به جای دو رکعت نماز است. معلوم است که توهین و تخریب و هتاک کردن نماز را باطل می کند. اما ما می بینیم بعضی از این آقایان با جرئت و جسارت این کار را انجام می دهند. تریبون های دیگر هم همین طور، مجلس و روزنامه و سایت و هر تریبونی که فرد در اختیار دارد، باید حرمت تریبون و جامعه را حفظ کند.

**بعضی از اعضای انجمن حجتیه در مسئولیت‌های حساس نظام قرار گرفته‌اند**

**فشار روی دولت خیلی زیاد است، تا جایی که آقای موسوی لاری وزیر کشور دولت اصلاحات چند وقت پیش گفت فشارهایی که روی دولت روحانی است، گاه از دولت اصلاحات بیشتر است! شما می‌گویید دولت در مقابل فشارها ایستادگی کند، این در حالیست که بعضی وقت‌ها این فشارها خیلی بیش از حد توان دولت به نظر می‌رسند، مخصوصاً در عرصه فرهنگی. مثلاً در ماجرای برگزاری کنسرت ها و رویه ای که در خراسان پیش گرفته شده است. به نظر دولت نهایت ایستادگی را که می‌توانست انجام داد و اگر تقریباً به دعوای لفظی وزیر ارشاد و وزیر کشور با آیت الله علم الهدی کشیده شد. اما دیدیم که نه تنها آقای علم الهدی عقب نشینی نکرد، بلکه یکی از قضات دادستانی خراسان از تعقیب قضایی وزیر ارشاد سخن گفت و در نهایت این آقای جنتی بود که به نوعی کم آورد و گفت دیگر در باره این موضوع حرفی نمی زند.**

یک بخشی مربوط به دولت می شود که دولت باید افکار عمومی را در جریان قرار دهد. یک بخش دیگر این است که از حق قانونی اش در موارد ضروری استفاده کند. و یک بخش عمده اش مربوط می شود به دستگاه قضایی. آنجایی که بعد قضایی ندارد. فرض کنید یک آقای می گوید اصلاً در استان ما نباید کنسرت برگزار شود. فردا هم باید بگوید اصلاً تمام سینماهای استان ما تعطیل شود! آیا نظام باید این مسائل را بپذیرد؟ به چه مجوزی این فرد چنین سخنی می گوید و چنین کاری را انجام می دهد؟ آیا مرجع تقلید عامه است؟ در این صورت مراجع تقلید نباید اجازه چنین چیزهایی را بدهند. باید بگویند اگر حرام و خلاف شرع است و موجب فساد جامعه می شود، چه در مشهد چه در شیراز چه در تهران ارشاد و دولت مجبور است. اگر جایز است، دیگر مشهد و غیرمشهد ندارد. وانگهی یک امام جمعه که حق ندارد این گونه برای خودش سیاست طرح کند و اعمال کند و حالا چون توانایی دارد و قدرت زیادی در آن استان پیدا کرده است، هر چه می خواهد اعلام و اعمال کند. این هم کار درستی نیست هم با نظام نمی سازد. این افراد گویا فراموش کرده اند که نظام جمهوری اسلامی نظامی است که امام خمینی تأسیس کرده و در رأس آن رهبری قرار گرفته و یک نظام اسلامی است. فکر می کند مثلاً ۱۰۰ سال و ۵۰ سال قبل و در نظام طاغوتی است که بگوید من متولی فالان استان هستم و من دستور می دهم؟ الان همه باید تابع نظام و رهبر و قانون و دولت باشید. حق ندارید چنین حرفی بزنید. من تعجب می کنم. این افراد نه حق قانونی و نه حق شرعی دارند که چنین حرف هایی را به خصوص از تریبون های مقدس بزنند، تا چه برسد به اعمال کردن این نظرات.

فشارهایی روی دولت روحانی است که گاهی از درون خود دولت است. مثلاً گاه وزارت ارشاد و کشور برای برنامه ای اجازه می دهد، ولی نیروی انتظامی می گوید نه ما بر بخورد می کنیم! همیشه نیروی انتظامی تابع وزارت کشور بوده و وزیر کشور جانشین فرمانده کل قوا بوده است تا بتواند امنیت کشور را فراهم کند. این هر چ و مرج است و با این روش سنگ روی سنگ قرار نمی گیرد. ما یکی از افتخار اتمان این است که در نظامی قرار گرفته ایم که قانون اساسی، رهبر، دولت، مجلس و قوه قضایه داریم. هر فردی نمی تواند نظر شخصی و فردی خودش را اعمال کند. می تواند اظهار نظر کند و بنویسند ولی حق اعمال ندارند.

وقتی آن سال سعید حجاریان را ترور کرده بودند، یکی از همین آقایان که من نامش را نمی برم، در شهر ری به کسی که ترور را انجام داده بود دست میرزاد گفته و از او تشکر کرده بود و گفته بود کار خدایی انجام داده ای و جهاد فی سبیل الله کرده ای! ما باید این فرد را معرفی کنیم و بگوییم تا جامعه بشناسد این افراد چه کسانی هستند؟ در یک جامعه اسلامی که نباید این چیزها باشد. نظام با ترور و چنین حرکت هایی مخالف است. اینجاست که ما تردید می کنیم نکند این افراد اصلاً نظام را قبول ندارند؟ نمی خواهم این آقایان را متهم کنم. ولی این را بپذیریم که در کشور ما یک مجموعه ای هستند که خودشان را منتسب به نظام می دانند، ولی افکار و اندیشه های ارتجاعی ضد نظام دارند.

مگر ما الان در بین مسئولان کشور و در بدنه نظام طرفداران انجمن حجتیه کم داریم؟ چه کسی است که نداند انجمن حجتیه نظام را باطل و طاغوتی می داند؟ آن ها معتقدند قبل از ظهور امام زمان (عج) هر نظامی حاکم شود، طاغوتی و فاسد است. اما می بینیم بعضی از این افراد در مسئولیت های حساس هم قرار

**افشاگری روش منافقین است و جامعه را مسموم می کند**

**این روزها هجمه علیه دولت بیشتر از همیشه شده است.**

**شما در جایی دولت را هم در این قضیه مقصر دانسته اید که از خود دفاع نمی‌کنند و تاکید کرده اید که «اقدامات شجاعانه**

**و جسورانه بهترین پاسخ به منتقدان غیر منصف است».**
**به نظرتان دولت دقیقاً چه کاری باید انجام دهد؟ آیا منظورتان این است که دولت دست به مقابله به مثل و افشاگری و امثالهم بزند؟**

ایرادی که من به دولت آقای روحانی دارم و بارها هم گفته ام، این است که روابط عمومی یا ستاد تبلیغات ایشان خیلی ضعیف است. البته رسانه دارند، از صدا و سیما و جاهای دیگر هم می‌توانند استفاده کنند، ولی سازمان دهی و مدیریت شده نیست. لذا من بارها تقاضا کرده ام که آقای دکتر روحانی و دولتشان یک ستاد تبلیغاتی قوی تشکیل دهند که بتواند خوب کارهایش را تبلیغ کند و با افکار عمومی جامعه ارتباط تنگاتنگ برقرار کند. این چنین پراکنده و سازمان نیافته حرف زدن، چه بسا ضررش بیشتر از سودش باشد. افکار عمومی این چنین نیست که ما یک مرتبه اذهان مردم را بمباران اطلاعات کنیم و آن ها هم تحت تاثیر قرار بگیرند. این گونه چه بسا اصلاً منفعل شوند.

دوم اینکه باید هم شخص رئیس جمهور بیشتر با کردم صحبت کند. مثلاً مصاحبه های تلویزیونی باید حداقل ماهی یک مرتبه باشد. لازم هم نیست آقای رئیس جمهور خودش پاسخ مورد به مورد به مخالفان و منتقدان بدهد. همین گزارش دادن به مردم خودش می‌تواند پاسخ بسیاری از انتقادها را بدهد. علاوه بر رئیس جمهور، به وزرا و معاونین هم همین طور این انتقاد وارد است. من گله دارم از خیلی از وزرا که با مردم حرف نمی‌زنند، یا اینکه گاه رئیس جمهور سپر بالای آن ها می‌شود. در حالی که در دولت هر کسی باید مدافع عملکرد خودش و همچنین کل دولت باشد، یعنی باید پاسخگوی تمام عملکرد و مصوبات دولت باشد.

اما اینکه مقابله به مثل بکنند، اصلاً به مصلحت نیست. من اخیراً هم گفته ام این مسئله افشاگری که بخواهند مدام نقطه ضعف ها را وسط بریزند، جامعه را مسموم می‌کند و شرعاً و قانوناً هم درست نیست. همین چند روز پیش یادداشتی در روزنامه «اعتماد» در مورد افشاگری داشتم. آنجا نوشتم که افشاگری روش منافقین بعد از انقلاب بود. لذا اخیر، منظور من نیست که آن ها مقابله به مثل کنند. منظور این است که دولت باید بیشتر مردم را در جریان قرار دهد تا اینکه القانات مخالفان و منتقدان بی انصاف جامعه را مسموم نکند.

**کسی که به مقامات تهمت می‌زند و توهین می‌کند، منتقد نیست دشمن است**

در ارتباط با خود منتقدان، من بارها گفته ام که انتقاد کردن از مسئولان، در هر رده ای که باشند نه تنها جایز است بلکه لازم است. حضرت امام (ره) می فرمود، انتقاد موهبت الهی است. انتقاد کردن اگر با روش اسلامی و سازنده باشد و تخریبی نباشد، خدمت به مسئولان است. منتها مرز بین انتقاد اسلامی و انتقاد تخریبی کاملاً روشن است. کسی که تهمت می زند و توهین و جسارت می کند، منتقد نیست دشمن است، مخالف و مخرب است. او می خواهد فضای جامعه را مشوش و مسئولان را دلسرد کند و نمی خواهد خدمت کند. نکته دیگر بر بخورد با مخالفان است. طبق قانون اساسی و جزای اسلامی تهمت زدن و توهین کردن به هیچ کس جایز نیست و جرم است و مجازات دارد، هم مجازات دنیوی و هم اخروی. مخصوصاً به مقامات کشور و کسی که دومین شخصیت کشور است. اینکه این گونه بی مالات افراد در نشریه ها و رسانه های خودشان توهین و تخریب می کنند، جا دارد دستگاه های قضایی و امنیتی وارد صحنه شوند و اجازه ندهند. دیروز جمعی از نمایندگان مجلس به رئیس مجلس و دادستانی تذکر دادند که باید با این مسائل برخورد شود. هیئت رئیسه هم تذکرشان را وارد دیده است. این حرف قانونی است، ما قانوناً حق نداریم نسبت به رهبری و رئیس جمهور و وزیر و هر کس دیگری تخریب و توهین کنیم. نسبت به یک فرد عادی حق چنین کاری را نداریم، چه رسد به فردی که اکثریت مردم او را انتخاب کرده اند تا کشور را اداره کند. لذا جا دارد مدعی العموم وارد صحنه شود و دستگاه قضایی جلوی این حرکت را بگیرد. بر بخورد نکردن با این افراد، ظلم به جامعه است بزرگواری نیست و در حقیقت کمک کردن به این است که فضا روز به روز مشوش تر و مسموم تر شود و انگیزه در خدمت گزاران ضعیف تر شود.

**چگونه در خطبه‌های نماز جمعه که به‌جای دو رکعت نماز است، هتاک می‌شود؟**

**این وظیفه معطوف به قوه قضایه است که وارد ماجرا شود و برخورد کند، با اینکه برای مثال نهاد ریاست جمهوری یا رئیس‌جمهور باید شخصا شکایت کنند؟**

بله این حق رئیس جمهور است که شکایت کند، ولی قبل از این قوه قضایه و مدعی العموم باید اقدام کند. مدعی العموم می‌تواند در مسائلی که ملی و عمومی است وارد صحنه شود و نباید منتظر شود. چه مسئله ای ملی تر و عمومی تر از ریاست جمهوری و مدیریت اجرایی کل کشور وجود دارد؟ کسی به دومین شخص کشور می‌کند، بعد ما باید منتظر بنشینیم که رئیس جمهور بیاید دادخواست بدهد؟ این خیلی خنده آور است! اینجا مدعی العموم باید وارد صحنه شود، چون آن فرد دارد به یک ملت و شعور ملت توهین می‌کند و به